

دوران حکومتشان (۳۵۸-۳۵۷ق) فراهم کردند.

از مراکز علمی مصر در دوران فاطمیان، دارالعلم یا دارالحکمه است که از سوی الحاکم بامرالله، خلیفه مشهور و در عین حال عجیب فاطمی تأسیس شد. این مؤسسه شهرت و اعتبار فراوانی برای قاهره به بار آورد. دارالعلم به قاهره فاطمی همان خدمتی را کرد که اسکندریه به بطالسه.

این مرکز برای تربیت داعیان اسماعیلی اهمیت داشت، ولی درهای آن به روی دانشمندانی که در پی تحصیل دانشها اصیل به آنچه می‌آمدند، باز برد. از این رو با بیت الحکمة مشهور بغداد و مراکز تعلیمات عالی اندلس برابری می‌کرد.

از ویژگیهای این مرکز توجه فراوان به تأسیس کتابخانه آن بوده، به گونه‌ای که وجود کتابخانه را در کنار خود همواره به عنوان یکی از عناصر اساسی در تکوین موجودیتش تلقی کرده است.

این مقاله در پی تبیین علل شکل‌گیری و بررسی فعالیت دارالعلم در دو بخش کتابخانه و مرکز آموزشی و علمی و ارتباط آن با داعیان اسماعیلی و همچنین جامع الازهر، دیگر مؤسسه دینی، آموزشی فاطمیان و طریقه تأمین مالی آن می‌پاشد.

پژوهشی درباره دارالعلم قاهره

کتابخانه و مرکز علمی آموزشی و تبلیغاتی فاطمیان

محمد علی چلونگر

عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه اصفهان

مقدمه

یکی از دوره‌های درخشان مصر در زمینه فرهنگ و تمدن اسلامی، دوران فاطمیان شیعی اسماعیلی مذهب است. آنان با ایجاد مراکز علمی و کتابخانه‌ها و حمایت گسترده از آنها زمینه شکوفایی فرهنگی و علمی مصر را در

تأسیس دارالعلم در دنیای اسلام

تأسیس مراکزی به نام دارالعلم در جهان اسلام در امتداد ایجاد کتابخانه‌ها یا بیت‌الحکمه‌ها برداشته شد. به نظر می‌رسد این نامگذاری بیشتر برگرفته از دارالعلم اسکندریه بوده که بطلمیوسیان در آن شهر دائر کردند. اساس فکری دارالعلم اسکندریه ایجاد کتابخانه‌ای با داشتن جایگاهی مخصوص درس و بحث بوده است. دارالعلم‌های جهان اسلام نیز بر همین رویه ایجاد شد. مسلمانان تا حدود زیادی با مدرسه‌های اسکندریه و علماء و دانشمندان و فلاسفه این مرکز علمی که در آثار مختلف به اسکندرانیون شهرت یافته بودند، آشنایی داشتند. ابن قسطنطیل این مرکز با عنوان دارالعلم نام می‌برد و می‌نویسد:

و اسکندرانیون جماعتی اند که در علوم اشخاص به آنجا وجود نداشت. به علاوه به افراد نیازمند که برای فراگیری ادب به آنجا مراجعه می‌کردند، غذا و کاغذ داده می‌شد. درهای این دارالعلم هر روز باز می‌شد.^۳

کتابخانه ظاهراً بخش مکمل دارالعلم بوده است نه تمام دارالعلم. جلسات سخنرانی نیز در

(اسکندریه) دارالعلم و مجالس درس طبی ترتیب داده و قرائت کتب جالینوس را بر همین وضع و ترتیبی که امروز شایع و متداول است، ایشان نهاده و مرتب داشته‌اند. و جوامع و مختصرات که آسان باشد بر قاری حفظ آن و حمل آن در اسفار، استخراجات ایشان است.

مقدم ایشان، به ترتیبی که اسحاق بن حنین ذکر کرده، اصطافن اسکندرانی است. دیگر جالینوس و انقیلاوس و مارینوس، این چهار، عمدۀ اطباء اسکندرانیین اند و عمل جوامع و

تفسیر منسوب به ایشان و ترتیب کتب و استخراج آنها، عمل انقیلاوس است^۱.

ابن قسطنطیل روایت خود را در مورد دارالعلم اسکندریه به استناد اسحاق بن حنین بیان می‌دارد و این نکته آشکار می‌سازد که مسلمانان دست کم از قرن سوم هجری اطلاعاتی از دارالعلم اسکندریه داشته‌اند.

قدیم‌ترین مرکزی که از این نوع در دورۀ اسلامی می‌شناشیم، دارالعلمی است که ابوالقاسم جعفر بن محمد بن حمدان موصلى (۲۴۰-۳۲۴ق) تأسیس کرد.^۲ در دارالعلم موصلى، مجموعه‌ای از کتب، مشتمل بر کلیه زمینه‌های علوم فراهم شده بود. به گفته یاقوت، طلاب از نقاط دوردست برای کسب علم به این دارالعلم روی می‌آورند و مانعی برای ورود اشخاص به آنجا وجود نداشت. به علاوه به افراد نیازمند که برای فراگیری ادب به آنجا مراجعه می‌کردند، غذا و کاغذ داده می‌شد. درهای این دارالعلم هر روز باز می‌شد.^۳

کتابخانه ظاهراً بخش مکمل دارالعلم بوده است نه تمام دارالعلم. جلسات سخنرانی نیز در

۱ - ابن قسطنطیل، تاریخ الحکماء، ترجمه از قرن پانزدهم هجری، بد کوشش بهین دارابی، ص ۹۷.

۲ - سعید المدیوہ جی: تاریخ الموصى، ج ۱، ص ۱۹۲.

۳ - یوسف العشن، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی، ترجمه اسدالله علوی، ص ۱۶.

بامرالله (۴۱۱-۳۸۶ق) ایجاد شد.^۵ این دارالعلم نمایانگر مبارزات فرقه‌گرایی است و شرایطی که به تشکیل آن انجامید از آن زاویه باید بررسی گردد.

الحاکم بعد از آنکه به خلافت رسید، با گرایشهای مذهبی مخالف آیین خویش و با کسانی که از قبول عقیده مورد نظر او سرپیچی می‌کردند، به شدت برخورد می‌کرد.^۶ بخشی از مردم وحشت زده، با شتاب، تبعیت خود را از عقیده خلیفه اعلام کردند. الحاکم برای این منظور جلسات ویژه‌ای در قصر خود برای دعوت و ثبت پذیرش مردم برگزار می‌کرد. اقدامات

محل دارالعلم تشکیل می‌شد. یاقوت می‌نویسد: «موصلی هر روز به آنجا سر می‌زد و در آنجا می‌نشست. افراد به شکل یک محفل درس گرد او می‌آمدند و به درسهای او گوش فرا می‌دادند».^۷

دارالعلم دیگری که کمی قبل از دارالعلم فاطمیان در عالم اسلام ایجاد شد، دارالعلمی است که ابونصر شاپور بن اردشیر می‌کردند، به شدت برخورد می‌کرد. در سال ۳۸۱ یا ۳۸۳ق در محله کرخ بغداد تأسیس کرد. در این دارالعلم کتب زیادی که از شاهکارهای علوم عربی بود وجود داشت. تعداد کتب این مرکز را بیش از ده هزار جلد ذکر کرده‌اند.^۸

شاپور کتب علمی هر فن را در آنجا گرد آورد، موقوفاتی برای آن وقف کرد^۹ و تا سال ۴۵۰ق که طغول به بغداد آمد، مورد استفاده عموم بود، ولی در آن هنگام طعمه حريق شد.

دارالعلم شاپور محلی برای دانشمندان و اهل ادب بود؛ از جمله رجالی که به این مرکز آمد و شد داشتند، فیلسوف و شاعر مشهور ابوالعلاء معri به هنگام اقامت در بغداد بود.^{۱۰} او در آنجا با سروden اشعاری مراتب اخلاص و اشتیاق خود را نسبت به مجالس پربار علمی و ادبی آن ابراز می‌کرد.

زمینه‌های شکل‌گیری دارالعلم فاطمیان دارالعلم قاهره در سال ۳۹۵ق توسط الحاکم

- ۱- همان، ص ۱۲۱-۱۲۰.
- ۲- ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، تصحیح علی شمری، ج ۶، ص ۲۱.
- ۳- بنگرید به: ابن کثیر، البداية و النهاية، ج ۱۲، ص ۱۱۹
- ۴- ابن جوزی، المستظم فی تاریخ الملوك و الامم، ج ۸، ص ۲۲؛ ابن اثیر، الكامل فی التاریخ، ج ۶، ص ۲۱
- ۵- ذہبی، سیر اعلام البلاء، ج ۱۷، ص ۳۸۷
- ۶- بنگرید به: ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الامان، تحقیق احسان عباس، ج ۲، ص ۳۵۶
- ۷- ماهر حماده، المکبات فی الاسلام، نشانه‌ها و نظره‌ها و مصائرها، ص ۱۳۰-۱۳۲

- ۸- بنگرید به: مقریزی، انتظام الحنفاء با خمار الانئمة الشاطئین الخلقاء، تحقیق محمد حلمی محمد احمد، ج ۲، ص ۵۰۶
- ۹- بنگرید به: همو، المواعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، ج ۲، ص ۳۴۱

دارالعلم این بود که این مؤسسه برای آموزش همه اندیشه‌ها و فرقه‌ها پایه گذاری شده است. الحاکم می‌خواست با بحث و تدریس آزادانه فرقه‌های مختلف به گونه‌ای به دور از تعصّب گذشته، زمیه انتشار و گسترش عقاید اسماعیلی را در آن بستر فراهم آورد.

الحاکم برای جلب مردم به این مرکز نوینیاد با پیروان مذاهب مخالف و اهل سنت پاگذشت و تسامح رفتار می‌کرد و بر همین اساس، کتب و منابع مذهبی اهل سنت را به این مرکز انتقال داد و از برخی استادان و فقیهان شیعه اسماعیلی در آنجا به پا به پای فقیهان شیعه اسماعیلی در آنجا به تدریس بپردازند. او ذکر فضائل صحابه پیامبر ﷺ را در این دارالعلم اسماعیلی آزاد گذاشت و برای نشان دادن علاقه‌اش به مذهب

مخالف نه تنها نتایج مورد نظر خلیفه را ایجاد نکرد، بلکه اسباب نارضایتی وی را نیز فراهم کرد، به طوری که برخی از افراد از دستورات خلیفه سریچی کرده، تهدید به قیام نیز می‌کردند. حتی برخی از مردم به تلافی ناسراهامی خلیفه علیه بعضی از صحابه پیامبر ﷺ، شروع به طعن و لعن خلیفه کردند.^۱ چنان اعتراضاتی می‌توانست به فاجعه‌ای علیه خلیفه و مذهب اسماعیلی بینجامد، ولی خلیفه با یک تغییر جهت پیش‌بینی نشده و باورنکردنی اعلام کرد که مطابق میل مردم رفتار خواهد کرد. «به روایت برخی از مورخان، خلیفه برای دادن تضمیتی مطمئن برای قول خود، مؤسسه‌ای سنت‌گرا ایجاد کرد و نام آن را دارالحکمہ گذاشت؛ اما بعداً نام دارالعلم برای این مؤسسه معمول شد. آرای عمومی به فوریت تسکین پیدا کرد و خلیفه مورد حمایت مردم قرار گرفت».^۲

هدف خلیفه از ایجاد این مؤسسه اسماعیلی آن بود که با دادن آزادی ابراز عقیده به پیروان اهل سنت که اکثریت مصریان را تشکیل می‌دادند، از شدت اعتراضات آنان بکاهد. در واقع، یکی از دلایل تأسیس دارالعلم، مماشات با عقاید اهل تسنن بود، به این صورت که آنها می‌توانستند در آنجا آزادانه اظهارنظر کنند؛ گرچه بعد از مدتی این هدف تعقیب نشد.

انگیزه الحاکم بامراله در ابتدای تأسیس

۱ - همان، ج ۲، ص ۳۴۲

۲ - يوسف العشن، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ص ۹۸.

۳ - الحاکم گروهی از استادان سنی و شیعی مذهب را به همکاری در این مرکز فراخواند؛ از جمله آنان حافظ عبدالغنى بن سعید، از دانشمندان و حافظان حدیث و ابو اسامه جنادة بن محمد لغوى که تولیت تدریس و ریاست مؤذنان جامع عمرو را بر عهده داشت و نیز ابرالحسن انطاکی نحوی می‌باشند، که هر سه از دانشمندان اهل سنت بودند. (بنگرید به: خطاب عطیه، التعلیم فی مصر فی المصر الفاطمی الاول، ص ۱۶۱-۱۶۲).

یا فراگیری مطالب علمی در کتابخانه این مرکز حضور می یافتد و ملزومات و نوشت‌افزار آنان از قبیل مرکب و انواع کاغذ و دوات در آن آماده شده بود.^۳

در انتخاب کتابهای کتابخانه در آغاز کار تعصب مذهبی یا گرایش خاص اسماعیلی حاکم نبود و آثار و کتب آن به تمام طبقات علوم و ادبیات تعلق داشت.

بخش قابل توجهی از کتابهای انتقال داده شده به دارالعلم از اهل سنت بوده است.^۴ با وجودی که کتابهای این مرکز، منحصرًا کتابهای مذهبی را شامل نمی‌شد^۵، اما مذهب تسنن در انتخاب این آثار مزیت داشته است.

در کتابخانه دارالعلم، گنجینه‌های ارزشمندی از نسخ کتب قیمتی وجود داشت. مقریزی می‌نویسد:

«در سراسر جهان اسلامی کتابخانه‌ای بزرگ‌تر از آن نبود و از جمله شگفتیهاش این بود که در

۱ - بنگرید به: یوسف العشن، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی؛ ص ۱۰۲.

۲ - مقریزی، المواقع و الاعتبار بذکر الخطوط و الآثار، ج ۱، ص ۴۵۸.

۳ - همان، ص ۴۵۹-۴۶۰.

۴ - یوسف العشن، کتابخانه‌های عمومی و نیمه عمومی عربی، ص ۱۰۰.

۵ - بنگرید به: مقریزی، المواقع و الاعتبار بذکر الخطوط و الآثار، ج ۱، ص ۴۵۸.

تسنن، فرمان داد محافل درسی برای تبیین شایستگیهای صحابه پیامبر ﷺ تشکیل شود.^۱

کتابخانه دارالعلم

بخشی از دارالعلم، کتابخانه عظیم آن بود. این کتابخانه اهمیت بسیار زیادی داشت؛ زیرا خلیفه آن را از کتابهای قصر پر کرده بود و ضمناً از پیروان دولتمند خود مجلدات دیگری برای کتابخانه گرفته و مقرر کرده بود نسخه‌های دیگری خریده یا نسخه‌برداری شود. مقریزی از قول مسبحی، تاریخنگار دربار حاکم می‌نویسد:

«بعد از [تأسیس] دارالحكeme، کتابهای موجود قصر بدانجا منتقل شد و پس از ورود مردم به این مرکز علمی هر که می‌خواست از مطالب مدرج در کتابهای موجود دارالحكeme نسخه برمی‌داشت و افرادی هم به خواندن این آثار می‌پرداختند».^۲

همه کتابهایی را که الحاکم فرمان می‌داد، به دارالحكeme می‌آوردند؛ از این رو نسخه‌های گردآوری شده مربوط به تمام قلمرو دانش و فرهنگ بود و گاه کتابهایی را که هرگز برای هیچ فرمانروایی گردآوری نشده بود شامل می‌شد. الحاکم دسترسی و استفاده از آنها را چه برای بررسی و چه تعمق در آنها به همه طبقات مردم اجازه داد.

طبقات مختلف برای مطالعه، نسخه‌برداری

کتابخانه دارالعلم می‌نویسد:

«غارت‌کنندگان کتابخانه دارالعلم را به کلی خالی از کتاب کردند. بسیاری از کتابها به مالکیت فردی به نام عمام الدلوه ابوالفصل بن محترق در اسکندریه درآمد؛ اما وقتی این شخص به قتل رسید، بسیاری از کتابها به مغرب بوده شد. افراد قبیله لواه کتابهای زیادی را که در زیبایی به توصیف درنمی‌آمدند از راه خرید یا دزدی به چنگ آورده و آنها را با خود بردن، غلامان و کنیزان آنها از جلد این کتب برای خودشان کفش درست می‌کردند و اوراق آنها را به جای هیزم آتش می‌سوزاندند. آنان بر این عقیده و نظر بودند که این کتب، عقاید مشارقه [اسماعیلیان] را دربردارد که با عقاید مذهبی آنان [که اهل سنت بودند] مغایر و متفاوت بود. بخشی از این کتب به دریا افکنده شد یا به نحو دیگری از میان رفت و بسیاری از آنها به شهرهای دیگر برده شد».^۵ در اینکه بعد از آن رخداد، کتابخانه دارالعلم

آن ۱۲۰۰ نسخه از کتاب تاریخ طبری و غیره وجود داشت. همچنین گفته‌اند: این کتابخانه دارای یک میلیون و ششصد هزار جلد کتاب بود و از خطهای منسوب به افراد نمونه‌های بسیاری در آن به چشم می‌خورد».^۱

کتابهای کتابخانه دارالعلم به دو طریق فراهم می‌شد؛ یکی انتقال گنجینه‌های کتب موجود در کاخها بود. مقریزی در وصف مراسم افتتاحیه از قول مسبحی می‌نویسد:

«... و کتب از گنجینه‌های موجود در کاخها به آنجا حمل گردید».^۲

طریق دیگر، خرید کتاب برای کتابخانه مذبور بود، چنان که در دوره‌های بعد از همین طریق، مجموعه بزرگی از کتابها به کتب آن افزوده شد.^۳

کتابخانه دارالعلم تا دوره مستنصر به همان شکل دوران الحاکم به حیات خود ادامه داد، ولی آشوبهای دوران مستنصر این کتابخانه را تیز فراگرفت.

در سال ۴۶۱ ق سربازان و کارکنان حکومتی که مدتها مواجب آنها به تعویق افتاده بود کاخها و خزانه خلیفه را غارت کردند^۴، کتابخانه‌ها از جمله کتابخانه دارالعلم نیز از این یغما و چپاول در امان نماند. برای غارت‌کنندگان، کتب دارالعلم اشیائی بودند که ارزشیان کمتر از جواهرات گنجینه‌های خلیفه نبود. مقریزی در مورد غارت

۱ - همان، ص ۴۰۹.

۲ - همان، ص ۴۵۸.

۳ - همان، ص ۴۰۹؛ یحییٰ محمد ساعاتی، وقف و ساختار کتابخانه‌های اسلامی، ترجمه احمد امیری شادمهری، ص ۴۶.

۴ - مقریزی، اعتاظ المحتفاء...، ج ۲، ص ۲۷۸.

۵ - مقریزی، الموعظ و الاعتبار بدک الخطوط و الآثار، ج ۱، ص ۴۰۹.

مراکز علمی^۴ قرن چهارم و پنجم به شمار آورد. همزمان با آشکار شدن نوعی مراجعات و مماشات با عقاید اهل تسنن از سوی الحاکم فعالیت علمی و دانشگاهی دارالعلم نیز ظاهر شد.

بخش علمی و آموزشی دارالعلم، تا حدودی همانند بیت الحکمه مأمون بود. جوهره نخستین این مرکز از بیت الحکمه گرفته شده است. کلیه مواردی که درباره بیت الحکمه صادق است بجز کار ترجمه و به تبع آن تألیف کتاب، درباره این مرکز نیز صدق می‌کند. دانشمندان متبحر در شعبه‌های مختلف علوم همان فعالیت بیت الحکمه را داشتند. آنان درباره علوم مختلف به بحث می‌پرداختند و مباحثاتی را در حضور خلیفه یا در مؤسسه ترتیب می‌دادند. مقریزی به نقل از مسجحی ذیل حوادث سال ۴۰۳ق می‌نویسد:

«تعدادی از دانشمندان ریاضی و منطق و فقیهان و تنی چند از پزشکان از دارالعلم به

مجدداً تجدید شده باشد ابهام وجود دارد. در منابع به وجود کتابخانه‌ای در قصر با کتب قابل توجهی از نظر کثرت در پایان دوران فاطمیان اشاره شده است^۱، ولی مشخص نیست که همان کتابخانه دارالعلم بوده است یا نه. البته این احتمال وجود دارد که خزانه کتب که در قصر موجود بوده همان کتابخانه دارالعلم باشد که مجدداً توسط خلفای فاطمی و وزرای آنان گردآوری شده است. مقریزی شواهدی از تجدید کتابخانه از بین رفته به دست می‌دهد. او می‌نویسد:

«چون فاضل عبدالرحیم بن علی پس از افول ستاره فاطمیان مدرسه فاضلیه را در قاهره تأسیس کرد، یک صد هزار جلد کتاب از کتب قصر را به کتابخانه آنجا انتقال داد»^۲.

وی همچنین بیان می‌کند:

«بعد از سلط صلاح الدین ایوبی بر مصر، کتب خزانه کتب به معرض فروش گذارده شد. متصدی فروش آن شخصی به نام ابن صوره، کتاب‌شناس و دلال کتاب بود و این کار چند سال طول کشید»^۳.

بخش علمی و آموزشی دارالعلم

دارالعلم در کنار خزانه کتب یا کتابخانه، کارهای علمی و آموزشی و تبلیغاتی نیز انجام می‌داد. از این نظر می‌توان آن را از بزرگ‌ترین

۱ - همان، ص ۴۰۹-۴۱۰.
۲ - همان، ص ۴۰۹.
۳ - همان.

۴ - بنگرید به: عبدالرحیم غنیمی، تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ترجمه نورالله کسانی، ص ۹۶؛ بایارد داج، دانشگاه الازه، تاریخ هزار ساله تعلیمات عالی اسلامی، ترجمه آذر میدخت مشایخ فریدنی، ص ۲۶.

پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. در آغاز تأسیس در ۳۹۵ ماق مرکزی علمی و دینی با حضور عقاید و مذاهب مختلف اسلامی بود.^۴ بعد از مدتی با تغییر ماهیت، به مرکزی برای تبلیغات اسماعیلیه تبدیل شد. در این دوره، دارالعلم به سان مدرسه‌ای برای باورهای اسماعیلی درآمده بود و به طور کامل در اختیار داعی الدعات بود و وی بر آن نظارت می‌کرد و استادانش را برمی‌گزید.^۵

بیش از سه سال از تاریخ تأسیس و فعالیت این مؤسسه علمی نگذشته بود که تحول در روش سیاسی و دگرگونی و اضطرابی که به تغییر ماهیت و شخصیت الحاکم انجامید، پیشرفت دارالعلم را دستخوش رکود گردانید و الحاکم آن شخصیت مبتنی بر تسامح مذهبی را که به خاطر ایجاد تمایل و توجه مردم اهل سنت به این مؤسسه از خود نشان می‌داد با کشتن دو تن از علمای سنی مذهب دارالعلم به نامهای ابو اسماء

حضور الحاکم فراخوانده شدند. نمایندگان هر علمی جداگانه به نزد خلیفه بار یافتند و با او به بحث و گفت و گو پرداختند. پس از آن، خلیفه به تمام آنان کسوت تشریفات و هدایای دیگر اعطای کرد.^۱

دارالعلم از بخش‌های علوم فقهی، دینی، ریاضی، طبی و زبان تشکیل شده بود. همه این رشته‌ها و به ویژه علم نجوم و فلسفه که مورد توجه خاص فاطمیان بود، در این مرکز تدریس می‌شد.

برای کسانی که در دارالعلم مشغول تحصیل و تدریس بودند، نوعی مستمری ویژه به نام سنته در نظر گرفته شده بود. این مستمری از خزانه خلیفه و حکومت تأمین می‌شد و نه از محل وقف.^۲

مهم‌ترین دستاورد علمی دارالعلم در دوران الحاکم تهیه یک زیج نجومی درباره ستارگان و سیارات با داده‌های تطبیقی بود. این زیج را ابوالحسن علی بن عبدالرحمن بن احمد بن یونس، منجم بزرگ مسلمان، تصنیف کرد و به نام الحاکم بامر الله آن را زیج حاکمی نامید. این زیج جایگزین زیج متعحن که منجمان دربار مأمون، خلیفه عباسی در رصدخانه‌های بغداد و دمشق تألیف کرده بودند، شد.^۳

بخش علمی و آموزشی دارالعلم از آغاز تأسیس تا انحلال آن، در مدت ۱۷۲ سال، دوران

۱ - مقریزی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطوط والآثار، ج

.۱، ص .۴۵۹

۲ - همان.

۳ - هایتس هالم، فاطمیان و سنتهای تعلیمی و علمی آنان،

ترجمه فریدون بدراهی، ص .۹۷

۴ - بنگرید به: مقریزی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطوط والآثار، ج .۱، ص .۴۰۸-۴۰۹

۵ - همان، ص .۴۰۹

دارالعلم پس از قتل افضل، از سوی مأمون بطائحي که وزارت را به عهده گرفته بود گشوده شد و به روای گذشته تلاش پیشین را از سر گرفت.

مقریزی از قول عبدالظاهر می‌گوید:

«اطرافیان مرتباً خلیفه را تشویق به بازگشایی دارالعلم می‌کردند. خلیفه با وزیرش مأمون بطائحي که پس از قتل افضل به وزارت رسیده بود مذاکره کرد، ولی وی با بازگشایی آن در محل قبلی به این دلیل که محل آن به قصر خلیفه منضم شده و برای ولی در نظر گرفته شده است،

۱ - مقریزی: انتهاط الحسناء...، ج ۲، ص ۸۰؛ ابن تغزی بردى، الجوم الزاهرة فی ملوك مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۲۲۲-۲۲۳؛ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۳۷۲

۲ - مقریزی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطوط و الآثار، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۵۵؛ همو، انتهاط الحسناء...، ج ۲، ص ۱۹۵-۲۰۰؛ ابن میسر، اخبار مصر، تحقیق ایمن فواد سید، ص ۳-۵؛ شهاب الدین نوربری، نهاية الارب في فنون الادب، ج ۲۸، ص ۲۲۶-۲۳۰؛ ابن ظافر الاژدی، اخبار الدول المستقطعة، تحقیق علی عمر، ص ۱۴۰-۱۴۳.

۳ - مقریزی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطوط و الآثار، ج ۱، ص ۴۵۹.

۴ - همان، ص ۴۶ - ۴۵۹؛ مقریزی، المسقى الكبير، تحقیق محمد البعلوی، ج ۳، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ ابن المأمون، اخبار مصر، تحقیق ایمن فواد سید، ص ۹۵.

۵ - همان، ص ۴۰۹.

لغوی و ابوالحسن انطاکی نحوی تغییر داد.^۱ این گونه دخالتها از سوی الحاکم در برانگیختن خشم و نفرت سنتی مذهبان مصری و متزلزل ساختن میزان اعتماد آنان به دارالعلم و اتصاف آنان از این مرکز اسماعیلی بی تأثیر نبود.

با فرا رسیدن دوره حکومت مستنصر (۴۸۷-۴۲۷ق) رویدادهای سختی بروز کرد^۲ که بنیان اقتصادی کشور را در هم ریخت و دارالعلم نیز از ضربه‌های هولناک که در اثر گسترش دامنه فساد و هرج و مرج بر تمامی شئون کشور حاکم گردیده بود، در امان نماند. بعد از آن کمتر نامی از دارالعلم و فعالیتهای آن وجود دارد، تا اینکه در سال ۵۱۳ق دو تن از رجال سنّی مذهب از قبیله بدیعیه که تنها به مذاهب سه گانه شافعی و حنفی و مالکی اعتقاد داشتند در دارالعلم پدیدار شدند و کسانی را که به این مرکز علمی و تبلیغاتی آمد و شد داشتند به پیروی از مذاهب اهل سنت فرا خواندند و گروه کثیری به این دعوت گردند نهادند.^۳

این اقدامات موجب شد که افضل وزیر الامر (۴۹۵-۴۵۲ق) هراسان گردد و فرمان به بستن دارالعلم دهد.^۴ ولی همچنین از اجتماع هواداران نزاریان در محل دارالعلم به وحشت افتاده بود. نزاریان به حقانیت نزار فرزند ارشد مستنصر برای احراز مقام خلافت در بین افراد خاندان فاطمی اعتقاد داشتند.^۵

در همان جا نیز داعیان تربیت می‌یافتد. این مؤسسه مرکز روحانی رهبری اسماععیلی به شمار می‌آمد که در آنجا تبلیغات با هماهنگی داعی طرح ریزی و تدوین می‌شده است.^۱

داعیان و طالبان تعلیمات اسماععیلی در دارالعلم سکونت داشتند و در دروس اصول عقاید و الهیات اسماععیلی داعی الدعات و فقهای اسماععیلی شرکت می‌کردند. به اعتقاد قلقشندی در دوران متاخر، داعی الدعات در این محل سکونت داشت و شاگردانی که به تحصیل علوم مربوط به این آیین مشغول بودند، در آنجا گرد او می‌امندند.^۲

الحاکم، داعی الدعات، عبدالعزیز بن محمد بن نعمان را که یکی از رهبران بلا منازع اسماععیلیه محسوب می‌شد، در رأس این مؤسسه قرار داد؛ شغلی که وی آن را در تمام طول مدتی که عهده‌دار منصب داعی بود، بر عهده داشت. مهم‌ترین شخصیت بر جسته اسماععیلی که در دارالعلم به تدریس و تبلیغ عقاید اسماععیلی می‌پرداخت مؤید فی الدين شیرازی داعی الدعات زمان مستنصر است. او در سال ۴۵۴ ق

مخالفت کرده و عدم امکان برگزاری جلسات در آنجا را به این جهت که نمی‌توان آن را از شرّ افراد خارجی حفظ کرد، به وی گوشزد کرد. بنابراین ساختمان قدیمی بیت‌الممال را برای این کار پیشنهاد کردند. وزیر که از این پیشنهاد متعجب شده بود مخالفت کرد؛ زیرا به عقیده وی این محل درست مقابله قصر محل سکونت خلیفه فرار داشت و بنابراین او نمی‌توانست استقرار آن را در جوار قصر پیذیرد؛ اما عاقبت محل دیگری در همان نزدیکی پیشنهاد شد که نه در مقابل قصر قرار داشت و نه در جوار آن و بدین ترتیب مأمون بطائحي با این پیشنهاد موافقت کرد.^۳

فعالیت و حیات علمی و تبلیغاتی این مؤسسه بزرگ علمی و آموزشی با سقوط فاطمیان به پایان رسید. اگر دارالعلم همان شیوه آزاد و به دور از مناقشتات مذهبی را که در آغاز تأسیس در پیش گرفته بود ادامه می‌داد، چه بسا می‌توانست به حیات علمی خود در دوره‌های بعد ادامه دهد.

دارالعلم و دعوت اسماععیلیان

دارالعلم با تشکیلات دعوت اسماععیلیان ارتباط نزدیکی داشت. این مؤسسه زیر نظر داعی الدعات اسماععیلی اداره می‌شد. عقاید اسماععیلی فاطمی که از زمان معز حکمت خوانده می‌شد، در تالارهای درس و خطابه آموزش داده می‌شد و

۱ - همان، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲ - فرها دفتری، تاریخ و عقاید اسماععیلیه، ترجمه فریدون بدراه‌ای، ص ۲۲.

۳ - بنگرید به: ابوالعباس احمد قلقشندی، صحیح الأعشی فی صناعة الانتاج، ج ۱۰، ص ۴۳۷.

رئیس دارالعلم گردید. دارالعلم هم محل تدریس و هم اقامتگاه اوی بود. اثر مهم و بزرگ او به نام المجالس المؤیدیه بیشتر به قصد تدریس در دارالعلم تأثیر شده است. بعد از وفات، مؤید فی الدین، در همان مکان به خاک سپرده شد.^۱ و این موضوع اهمیت این مؤسسه را برای دعوت اسماعیلی می‌رساند.

رابطه دارالعلم با الازهر

از دیگر مراکز بزرگ علمی مصر در دوره فاطمیان، جامع الازهر می‌باشد. بنای این جامع همزمان با بنیاد شهر قاهره در سال ۳۶۱ ق می‌باشد. الازهر از دوران عزیز به صورت یک مرکز علمی واقعی همانند دانشگاه درآمد. به فرمان عزیز در سال ۳۷۸ ق، برنامه آموزشی جامعی برای الازهر تنظیم گردید^۲ و استفاده از آن تنها موقوف بر تعلیم گردید. این جامع پایگاههای اساسی آموزش فرهنگ شیعی تأسیس دارالعلم بود.^۳

با تأسیس دارالعلم بسیاری از پیشوایان علمی و مذهبی از جامع الازهر کاره‌گیری کردند و به دارالعلم پیوستند. این مسئله موجب برتری مؤسسه نوبنیاد دارالعلم بر جامع الازهر گردید. در دوران حضور دارالعلم در مصر، به درستی رابطه الازهر و دارالعلم مشخص نیست. با مقایسه دروس تدریسی در دو مرکز این تفاوت

۱- بنگرید به: محبی الدین ابوالفضل ابن عبدالظاهر، الروضة المبهة الظاهرة في خطط المعرفة المأهولة، تحقيق ایمن فراد سید، ص ۳۲؛ مقریزی، المواعظ والاعتبار بذکر الخطوط والآثار، ج ۱، ص ۴۶۰.

۲- بنگرید به: فلتشنی، صحیح الاعشی، ج ۲، ص ۳۶۳؛ مقریزی، المواعظ والاعتبار بذکر الخطوط والآثار، ج ۲، ص ۲۷۳ و ۳۲۱.

۳- دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ص ۲۰۲.

۴- بنگرید به: محمد کامل حسین، فی ادب مصر الفاطمیه، ص ۲۵.

در دارالعلم ترویج کند.^۱

تأمین مالی دارالعلم

دینار طلا به دارالعلم می‌رسید. مقریزی در شرح

چگونگی مصرف این مبلغ می‌نویسد:

«خرید حصیر ۱۰ دینار، خرید کاغذ سورد

نیاز نسخه‌نویس ۹۰ دینار، حقوق و مخارج

کتابدار ۴۸ دینار، آب آشامیدنی ۱۲ دینار، حقوق

مستخدم ۱۵ دینار، خرید کاغذ، مرکب و قلم

موردنیاز خوانندگان ۱۲ دینار، نگهداری پرده‌ها

۱ دینار، صحافی کتابها ۱۲ دینار، خرید نمد در

زمستان ۵ دینار، خرید گلیم در تابستان ۴

دینار»^۲.

جمع این هزینه‌ها ۲۰۹ دینار می‌شود و مورد

صرف ۴۸ دینار بقیه تصریح نشده است. در

موارد مشابه، این مبلغ در اختیار متولی وقف

قرار دارد که می‌تواند آن را در صورتی که لازم

تشخیص دهد، در راه پیشبرد بهتر مؤسسه

صرف کند.

آنچه در این وقتفنامه مشاهده می‌شود، این

است که این مبلغ کلّاً به کتابخانه اختصاص دارد،

بدون اینکه در آن هزینه‌های مربوط به آموزش،

جلسات دانشمندان و تأمین مسکن برخی از آنها

در نظر گرفته شده باشد. دلیل این مستله دنباله

جرياناتی بود که ده ماه قبل از تنظیم مسود

الحاکم از آغاز تشکیل دارالعلم برای تأمین

مالی کافی آن اهتمام جدی داشت. برای این

منظور خانه‌ها و دکانهای را وقف کرد تا از درآمد

آنها، هزینه‌های دارالعلم و جامعه‌الازهر و دو

مسجد جامعه راشه و المقس که به دستور خود

وی ساخته شد، تأمین شود. املاکی که وقف

شده بود یه دو دسته تقسیم می‌شد؛ یک دسته

برای تأمین هزینه‌های المقس و دسته دیگر برای

تأمین نیازهای دارالعلم و دو مؤسسه دیگر.

مقریزی وقتفنامه پر ارزشی را که در آن املاک

(رباع) اختصاص داده شده برای هزینه این

مؤسسات ذکر شده، نقل کرده است.

این املاک غیر منقول و قفقی عبارت بودند از

ضرابخانه قدیم، تمام قیساریه معروف به

قیساریه الصوف و ساختمان دیگری معروف به

دارالخرق جدید که همگی در فسطاط قرار

داشتند.^۳

درآمد و عایدات املاک وقفی غیر منقول در

درجہ اول می‌باید هزینه مرمت و نگهداری

ساختمانها و بنها شود تا وقف بتواند تداوم پیدا

کند. آنگاه مازاد این عایدات به شصت حصة

مساوی تقسیم می‌شد که از آن «یک دهم و یک

هشتم یک دهم» یعنی بر روی هم مبلغ ۲۵۸

۱ - مقریزی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطط والآثار، ج

.۱، ص ۴۵۹

۲ - همان.

۳ - همان.

درهای دارالعلم را بر فقهاء بزرگ اسماعیلی گشودند تا آنان در آنجا جلسات خود را برگزار کرده، مجالس الحكمه را ترتیب دهند و عقاید خود را به افرادی که برای این هدف انتخاب شده بودند، بیاموزند.

به این ترتیب، دارالعلم به تبلیغات اسماعیلی اختصاص یافت، اما آزادی بحث و مجادله در آنجا، همانند نهادهای مشابه، همچنان ادامه یافت. این کار موجب تسهیل در امر انتشار عقاید رقیان گردید که برای رهبران مذهب اسماعیلی خطروناک می‌نمود. آنان نیز که از عاقبت شوم این عمل ترس داشتند، آنجا را تعطیل کردند؛ اما پس از آنکه تمہیدات قانونی مطمئن برای آن اندیشیدند، دوباره این مرکز را بازگشایی کردند.

بدین گونه دارالعلم حیات خود را همچنان تا سقوط فاطمیان ادامه داد، تا آنکه پس از سقوط فاطمیان، آنجا نیز تعطیل گردید.

منابع و مأخذ

۱- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن، الکامل فی الشاریخ، تصحیح علی شیری، بیروت، دار احباب التراث العربي، ۱۹۸۹ م.

۱- بنگردید به: مقریزی، اتعاظ الحفقاء...، ج ۲، ص ۸۰
ابن تغزی بودی، السجوم الظاهرة فی ملوك مصر و القاهرة، ج ۴، ص ۲۲۲-۲۲۳.

وقنامه به وقوع پیوست؛ جریاناتی از قبل اعدام دو عالم اهل تسنن که در دارالعلم مستقر بودند، فرار عده‌ای دیگر که خطر را احساس کرده بودند^۱ و سرانجام تعطیل موقت دارالعلم. بنابراین در وقنامه، فقط هزینه‌های مربوط به کتابخانه پیش‌بینی شده است.

آنچه مسلم است این مبلغ پیش‌بینی شده، نمی‌توانسته برای اداره دارالعلم و حتی کتابخانه عظیم آن کافی باشد. مسلماً درآمدهای دیگری از طریق املاک سلطنتی و دربار و شخص خلیفه برای تأمین بودجه دارالعلم در نظر گرفته می‌شده است.

سخن پایانی

دارالعلم بر اساس نمونه بیت الحكمه و به منظور گردآوری علماء و دانشمندان به وجود آمد که در آنجا، در کنار تخصصهای خود، کتابهای حکمت را مطالعه کنند و در مورد موضوعات عقلی و عملی به بحث بپردازنند. بر این اساس فلسفه آموخته شده در آنجا که از جایگاهی قابل توجه برخوردار شده بود، بایستی در ذهن مؤسس، بر تمایلات اهل تسنن پیشی گرفته و موجب کدر شدن آنها شده باشد؛ نقشی که به آیین اسماعیلی کمک کرد تا بتواند گسترش یابد. جانشینان الحاکم مناسب دیدند که نهادهای اسماعیلی را در آنجا مستقر سازند. بنابراین آنان

- فريدون بدره‌اي، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۵ش.
- ۱۵- الديوه جي، سعيد، تاريخ الموصى، موصى، دار الكتب للطبعه و النشر ۱۹۸۲م.
- ۱۶- الذبيه، شمس الدين، سير أعلام البلاء، بيروت، مؤسسه الرساله، ۱۹۸۳م.
- ۱۷- ساعاتي، يحيى محمود، وقف و ساختار کتابخانه های اسلامی، ترجمه احمد اميری شادمهری، مشهد، بنیاد پژوهشی اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴ش.
- ۱۸- العتن، يوسف، کتابخانه های عمومی و نیمه عمومی عربی در قرون وسطی؛ ترجمه اسد الله علوی، مشهد، بنیاد پژوهشی اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۳ش.
- ۱۹- عطیه، خطاب، التعليم في مصر في العصر الفاطمي الأول، قاهره، ۱۹۹۷م.
- ۲۰- غنیمة، عبد الرحيم، تاريخ دانشگاهی بزرگ اسلامی، ترجمه سوره الله کسانی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۲ش.
- ۲۱- فلقندی، ابوالعباس احمد، صبح الأعشی فی صناعة الاتاء، قاهره، دارالكتب المصريه.
- ۲۲- متریزی، شیخ الدین احمد بن علی، الموعظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار، بيروت، دار الصادر، بيروت.
- ۲۳- همو، اتعاظ العنقاء، بأخبار الأئمة الفاطميين الخلفاء، تحقيق محمد حلمي محمد احمد، المجلس الاعلى لشئون الاسلامية، ۱۴۱۶ق / ۱۹۹۶م.
- ۲۴- همو، المقتني الكبير، تحقيق محمد البعلوی، بيروت، دار الغرب الاسلامي، ۱۹۹۱م.
- ۲۵- نویری، شهاب الدين، نهاية الادب في فنون الأدب، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۲م.
- ۲۶- هالم، هاينتس، فاطميان و ستھای تعليی و علمی آنان، ترجمه فريدون بدره‌اي، تهران، نشر فرزان روز، ۱۳۷۷ش.
- ۲- ابن تغري بردى، ابوالمحاسن، التجوم الزاهرة في ملوك مصر و القاهره، وزارة الثقافة و الارشاد القومي، بيروت.
- ۳- ابن جوزی، ابوانفرج عبد الرحمن بن على، المستظم في تاريخ الملوك والامم، حيدرآباد دکن، دائرة المعارف العثمانی، ۱۳۵۹ق.
- ۴- ابن خلکان، ابوالعباس شمس الدين، وفيات الاعيان و ابناء ابناء الزمان، تحقيق احسان عباس، بيروت، دار الصادر، ۱۹۶۹م.
- ۵- ابن ظافر الازدي، اخبار الدول المقطعة، تحقيق على عمر، بيروت، مکتبة الثقافة الدينیه، ۲۰۰۱م.
- ۶- ابن عبدالظاهر، محیی الدین ابوالفضل، الروضۃ البهیۃ الاهارة فی خطوط المعزیۃ التاھرۃ، تحقيق ایمن فواد سید، بيروت، اوراق الشرقيه، ۱۹۹۶م.
- ۷- ابن فطفی، تاریخ الحکماء، ترجمه از قرن یازدهم هجری، به کوشش بهین دارایی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۱ش.
- ۸- ابن کثیر، عماد الدين، البداية و النهاية، بيروت مکتبة المعارف، ۱۹۷۷م.
- ۹- ابن مأمون، الامیر جمال الدين، اخیار مصر، تحقيق ایمن فواد سید، قاهره، المسعود العلیمی الفرنی لتأثیر الشرقيه، ۱۹۸۳م.
- ۱۰- ابن میسر، تاج الدين، اخبار مصر، تحقيق ایمن فواد سید، قاهره، المعهد العلمي الفرنسي للتأثیر الشرقيه، ۱۹۸۹م.
- ۱۱- حسین، محمد كامل، في ادب مصر الفاطمیه، قاهره، دارالنکر العربي، ۱۹۵۰م.
- ۱۲- حماده، محمد ماهر، السکینات فی الاسلام، شاتھا، نظرورها، مصائرها، بيروت، مؤسسه الرساله، ۱۳۹۸ق / ۱۹۷۸م.
- ۱۳- داح، بابا زاده، دانشگاه الازھر؛ تاریخ هزار ساله تعلیمات اسلامی، ترجمه آذر میدخت مشایخ فردینی، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۶ش.
- ۱۴- دفتری، فرهاد، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه